

## ابوطالب علیه السلام از نگاه علامه طباطبایی

محمدرضا آرمیون<sup>۱</sup>

### چکیده

مبنای تفسیری علامه طباطبایی درباره استقلال قرآن در دلالت موجب می‌شود بتوان دیدگاه ایشان را به المیزان و غیر آن تقسیم کرد. ایشان درباره ایمان ابوطالب علیه السلام بر اساس آیات پیشین آیه ۲۶ سوره انعام، سیاق آن را آبی از هرگونه تطبیق با روایات تفسیری می‌شمرد. سپس در این آیه و آیات ۱۱۳ سوره توبه و ۵۶ سوره قصص، در ذیل مباحث روایی، بدون ورود به دایره جرح و نقد حدیث با کاربست قواعد تعادل و تراجیح راهی برای حل تعارض میان روایات فریقین در این موضوع پیش رو قرار می‌دهد. لذا اجماع اهل بیت علیهم السلام و برخی دیگر از روایات خود عامه و اشعار ایمانی منسوب به ابوطالب همگی دال بر ایمان ایشان است که به دلیل نوپابودن اسلام و نیازمندی به حفاظت و حمایت از پیامبر صلی الله علیه و آله از بروز آن خودداری کرده است. ایشان با مسلم دانستن این دیدگاه در جای جای تفسیر المیزان و غیر آن، به شکل روشن یا با اشاره، از ویژگی‌های ملازم با ایمان وی پرده برداشته است. یگانه حامی پیامبر تا پایان عمر، محزون شدن از انقطاع وحی به ایشان، هزینه کردن از موقعیت خود و نقش وساطت برای پیامبر در رویارویی با کفار می‌تواند از جمله عناوین برای عبارات علامه طباطبایی در این موضوع باشد.

### واژگان کلیدی

تفسیر المیزان، ایمان ابوطالب علیه السلام، سیاق در تفسیر، تعارض روایات درباره ابوطالب علیه السلام، تفسیر

اثری

## درآمد

تیره و نژاد یکی از عوامل تأثیرگذار در شخصیت به شمار می‌رود<sup>۲</sup> که در ابوطالب<sup>ع</sup> نیز این عامل از وضعیت درخشانی برخوردار است. به سبب اهمیت چنین عاملی است که پیامبر<sup>ص</sup> درباره نیاکانش، از عدنان تا اسماعیل، به گفته نسب‌شناسان عکس العمل نشان می‌داد و سخن آنان را دروغ می‌شمرد.<sup>۳</sup> پیامبر<sup>ص</sup> دودمان خود را از زمان حضرت آدم<sup>ع</sup> از هر گونه سفاح و ناپاکی به دور می‌داند<sup>۴</sup> یا اینکه با اشاره به طهارت اصلاب و ارحام خود، بر ایمانشان تأکید می‌کند.<sup>۵</sup> همچنین در خصوص ابوطالب، علی<sup>ع</sup> با سوگند به خدا، بت‌پرستی پدرش و اجدادش را نفی، و آنها را پیرو دین ابراهیم و برپاکننده نماز به سوی کعبه معرفی می‌کند.<sup>۶</sup> البته وجود قرائن و شواهد تاریخی شاهد گویای صدق این ادعاست، به طوری که ابوطالب<sup>ع</sup> لقب به «سید البطحاء»<sup>۷</sup> مردی بزرگوار و باهمت بود که مردم به وی احترام می‌گذاشتند و از او اطاعت می‌کردند<sup>۸</sup> و در میان قریش سرفراز بود.<sup>۹</sup> چنین اوصافی در هماهنگی کامل با نقلی است که عبدالمطلب را حجت خدا و ابوطالب را وصی<sup>۱۰</sup> دانسته است.<sup>۱۱</sup> بر پایه چنین گزارش‌های تاریخی و حدیثی، عالمان شیعه تردید در پاکبودن و ایمان داشتن پدر علی<sup>ع</sup> را روا نمی‌دانند. علامه طباطبایی از جمله بزرگانی است که در تفسیر گران سنگ المیزان، مستقیماً و در دیگر آثار به شکل غیر مستقیم در این زمینه وارد بحث شده است. بدین ترتیب مباحث این نوشته را به دیدگاه ایشان در المیزان و غیر آن تقسیم می‌کنیم.

## الف) ابوطالب در المیزان

در روش نگارش تفسیر المیزان، پس از نقل آیات و توضیح لغوی و ادبی و بیان مراد هر آیه با شیوه «قرآن به قرآن»، به نقل احادیث و اخبار صحیح از پیامبر و صحابه و ائمه معصومان اعتنا و اهتمام نشان داده شده است.<sup>۱۱</sup> شیوه مؤلف این است که همواره پس از بیان تفسیر آیات، تحت عنوان «بحث روایی»، روایات خاصه و عامه را نقل و بر اساس مبانی «استقلال قرآن در دلالت و قانون‌مندی کلام الاهی»<sup>۱۲</sup> به نقد آنها مبادرت می‌کند. از جمله نتایج مهم این ویژگی آن است که

۲. کد ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می‌کنند؟، ص ۱۸۱-۱۹۱.

۳. جهره النسب، ص ۱۷؛ الطبقات الكبرى، ص ۵۶، مناقب آل ابی طالب، ص ۱۵۵؛ عمدة الطالب، ص ۲۸.

۴. تفسیر فرات، ص ۲۰.

۵. اوائل المقالات، ص ۴۶.

۶. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷۵؛ الغدير، ج ۷، ص ۳۸۷.

۷. موسوعة الامام امير المؤمنين<sup>ع</sup>، ج ۱، ص ۶۲؛ شرح نهج البلاغة، ج ۱، ص ۲۹.

۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱؛ المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۴، ص ۸۲.

۹. شرح نهج البلاغة، ج ۱۵، ص ۲۱۹.

۱۰. الاعتقادات، ص ۱۳۵؛ کافی، ج ۱، ص ۴۴۵.

۱۱. درباره تفسیر المیزان، ص ۱۱.

۱۲. روش‌شناسی علامه طباطبایی در بهره‌گیری از سیاق در المیزان، ص ۶۶-۸۷.

گاهی به دور از هر گونه تعصبات مذهبی، نقل‌های خاصه و عامه کنار گذاشته می‌شود؛ چنانچه در موضوع ابوطالب چنین رویکردی را خواهیم دید. به هر حال، استخراج مطالبی که این نگارش عهده‌دار آن است، با دقت در شیوه مواجهه نویسنده با روایات تفسیری درباره ابوطالب علیه السلام روی خواهد داد. رهاورد این شیوه آن است که گاهی مستقیماً شخصیت ابوطالب علیه السلام ارزیابی شده و اغلب به شکل تلویحی، ایمان و اسلام ایشان مفروض پنداشته شده است. به سبب اتخاذ چنین شیوه‌ای در میزان می‌توان مصادیق ورود به این موضوع را ذیل دو عنوان «تصریح به ایمان ابوطالب علیه السلام» و «تلویح به ایمان ابوطالب علیه السلام» تقسیم کرد.

### ۱. تصریح به ایمان ابوطالب علیه السلام در میزان

علامه طباطبایی، ذیل آیات متعددی از قرآن کریم، از ایمان ابوطالب به صورت روشن سخن گفته است. چهار آیه یادشده چنین است:

#### ۱/۱. بحث روایی آیه ۲۶ سوره انعام

ارزشمندترین و اثرگذارترین موضعی که میزان به شکل بی‌پرده و روشن به این بحث ورود کرده، در بحث روایی آیه ۲۶ سوره انعام دیده می‌شود. ایشان درباره این بخش از آیه که فرمود: «و هم ینھون عنه و ینئون عنه»<sup>۱۳</sup> گزارشی را ابتدا از تفسیر قمی<sup>۱۴</sup> نقل کرده و سپس با نقل روایتی از عطاء<sup>۱۵</sup> و مقاتل مضمون آنها را نزدیک دانسته است.<sup>۱۶</sup> بر پایه نقل علی بن ابراهیم، جوانان بنی‌هاشم، قریش را به دلیل تعصب قبیلگی از پیامبر صلی الله علیه و آله دور می‌کردند، ولی خود نیز به وی ایمان نمی‌آوردند.<sup>۱۷</sup> در نقل عطاء<sup>۱۸</sup> و مقاتل<sup>۱۹</sup> ضمیر جمع در آیه، در عوض نام قبیله بر شخصیت بزرگ آن طائفه، ابوطالب عمومی پیامبر تطبیق داده شده است. همان‌طور که اشاره شد، نویسنده با تأکید بر روش خود، در نقد هر دو گروه مفسران مآثور شیعی و سنی، نقل آنها را به دور از «سیاق» آیه می‌خواند.<sup>۲۰</sup> ایشان در بخش «بیان» آیات با تبیین این سیاق، زمینه یکی از کارکردهای سیاق را در رد روایات

۱۳. انعام، ۲۶.

۱۴. در نقد استنادی تفسیر قمی ن. ک: تفسیر علی بن ابراهیم قمی (از شبیری)، ص ۷۰۰-۷۰۳.

۱۵. وی عطاء بن دینار الهذلی است که احمد بن حنبل و ابن‌داوود او را ثقه، ابوحاتم صالح الحدیث و ابن‌حجر صدوق خوانده‌اند. (تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۹۳۳)

۱۶. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۵۹.

۱۷. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۹۶.

۱۸. به نظر می‌رسد منظور ایشان این روایت باشد: «حدثنا یونس، قال: اخبرنا ابن وهب، قال: ثنی سعید بن ابی ایوب، قال: قال عطاء بن دینار فی قول الله: وَ هُمْ یَنْهَوْنَ عَنْهُ وَ یَتَأَوْنَ عَنْهُ أَنْهَا نَزَلَتْ فِی ابِی طَالِبٍ، أَنَّهُ كَانَ یَنْهَى النَّاسَ عَنِ ائْتَاءِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله»

و ینأی عما جاء به من الهدی. (جامع البیان، ج ۷، ص ۱۱۰)

۱۹. تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۱، ص ۵۵۶.

۲۰. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۵۹.

تفسیری فراهم کرده است.<sup>۲۱</sup> این شیوه تفسیری موجب شده آیه فوق در راستای فضای حاکم بر آیه پیشین تفسیر شود.

در آیه قبل سخن درباره عده‌ای است که علی‌رغم گوش فرادادن به آیات الهی، بر دل‌هایشان پرده افکنده شده و در گوششان سنگینی قرار داده شده و در مقام جدال با رسول خدا قرآن را اسطوره می‌خوانند.<sup>۲۲</sup> توجه به کاربرست ریشه‌های «کین»، «فقه»، «أذن»، «وقر»، «آیه»، «اسطوره» در این آیه کافی است که موضوع آن خود قرآن و نه پیامبر (ص) دانسته شود. از این‌رو میزان در نقد گزارش‌های پیش‌گفته، متذکر این نکته می‌شود که خطای در بازگشت ضمیر به رسول خدا (ص) موجب شده است چنین روایاتی صحیح دانسته شود.<sup>۲۳</sup>

یادکرد این نکته نیز مهم است که از لحاظ ادبی مرجع ضمیر مفرد غایب در آیه قبل (یقفوه) با دو ضمیر «عنه» در آیه محل بحث، قرآن کریم است؛ چنانچه طبری به چنین ارجاع ضمیری از سوی برخی نظیر قناده<sup>۲۴</sup> اشاره کرده است.<sup>۲۵</sup> بدین ترتیب نقل‌های مذکور تخصصاً از منطوق آیه خارج خواهند بود، نه اینکه چیدمان لغات آیه قابلیت انطباق بر معنای عامی را داشته باشند تا امکان تطبیق یا تأویل چنین نقلی بر آن باقی بماند. مهم‌ترین رهاورد مفسر را از این زاویه باید نگریست که ادعای تردید در ایمان شخصیت والای ابوطالب را نمی‌توان از درون قرآن کریم پایه‌ریزی کرد و هرگز نباید با چنین گزارش‌هایی از ظهور قوی آیه عبور کرد.

ایشان در ادامه بعد از اینکه دست خصم را در این موضوع از استناد به ثقل اکبر و تمسک به کتاب الهی خالی کرد، محل گفت‌وگو را به ثقل اصغر و اختلافات و تعارض نصوص حدیثی می‌کشاند. تعارض، منشأ به وجود آمدن مبحث تعادل و تراجیح روایات است که در این دانش بعد از بررسی و تبیین قواعد اولیه و ثانویه نوبت به ارزیابی مرجحات حدیثی می‌رسد. از این‌رو باید یادآور شد که با نبود نص و ظهوری از قرآن و با وجود نصوص متعارضی از حدیث، قاعده اولیه و ثانویه این باب، مقتضی آن است که در فرض فقدان مرجحات صدوری یا جهتی یا دلالی، توقف، یا آنها را ساقط کرد.<sup>۲۶</sup> میزان بدون ورود به چنین امر مسلمی به شکل فعال و پویا، استدلال اصلی‌اش را با محوریت یادکرد از مرجحات گوناگون پیش برده است. برای این منظور ابتدا به فراوانی روایات اهل بیت (ع) درباره ایمان ابوطالب (ع) اشاره کرده تا از خاستگاه صدوری، آنها را بر روایات عامه

۲۱. تعامل سیاق با روایات در تفسیر میزان، ص ۷۰-۹۶؛ ن. کة بررسی تطبیقی کارکرد سیاق در میزان و التفسیر الحدیث در ارزیابی روایات، ص ۳۱-۵۳.

۲۲. انعام، ۲۵.

۲۳. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۵۹.

۲۴. قناده بن دعامه از تابعان و دانا به علم انساب و اشعار عرب بود. او کتابی در تفسیر دارد. (ن. کة تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۸۱)

۲۵. جامع البیان، ج ۷، ص ۱۰۹.

۲۶. ن. کة اصول الفقه، ص ۵۴۳-۵۹۳.

مقدم بدانند. سپس با بیان عباراتی از تفسیر مهمّ مجمع البیان در ذیل این آیه، در صدد است ترجیح دلالی در این روایات را افزایش دهد.

طبری نیز برای اثبات این دیدگاه به دلیل اتخاذ شیوه تعاملی با عامّه، از تعبیر «اجماع اهل بیت علیهم السلام بر ایمان ابوطالب علیه السلام» بهره می‌برد و پشتوانه حجّیت این اجماع را حدیث ثقلین می‌شمرد. همچنین، به روایت ابن عمر استشهد می‌کند که دال بر سبقت ایمان ابوطالب علیه السلام بر ایمان پدر ابوبکر است و نیز روایت طبری که دال بر پشتیبانی تمام‌عیار و دلسوزی از روی ایمان وی از پیامبر صلی الله علیه و آله است. در ادامه نیز پاره‌ای از اشعار منسوب به ایشان را می‌آورد که در مناسبت‌های گوناگون سروده‌اند و هر یک از ارادات خالص و ایمان سرشار از احساس ایشان ناشی شده است. در پایان به منظور پرهیز از به درازا کشیده شدن بحث، از ذکر دیگر قصیده‌ها، وصیت‌ها و خطبه‌های وی خودداری می‌کند.<sup>۲۷</sup>

بعد از نقل عبارات مجمع البیان که مشحون از دلایل لَبّی، نقلی و عقلی است، طباطبایی با تلقی به قبول ادلّه طبری، موازنه را در میان روایات خاصّه و عامّه به عمل می‌آورد. ایشان ضمن تأکید بر اینکه تنها دلیل بر اسلام‌نیوردن ابوطالب علیه السلام برخی از روایات وارد شده از سوی جمهور علمای عامّه است، دلایل ایمان وی را اجماع اهل بیت علیهم السلام و بعضی از روایات جمهور و اشعار منسوب به ایشان می‌داند. در انتها نیز با تعبیری تلمیحی یا تشریحی هر کس را به اختیار خود وانهاده است (لکلّ امرئ ما اختار) تا وجدان خود را در برابر چنین دلایل روشنی حاکم قرار دهد.

## ۲/۱. کیفیت ظهور دعوت اسلامی در آیات آغازین سوره نساء

در آغاز تفسیر سوره نساء، در ضمن بیان کیفیت تدریجی ظهور دعوت اسلامی و شروع توسعه آن در قالب دعوت خانوادگی یوم الانذار، به این موضوع ورود اجمالی صورت گرفته است. مؤلف در تشریح شکل‌گیری این محفل که با دستور الهی و با انگیزه تعیین خلیفه بعدی ترتیب یافته، می‌افزاید که بعد از استهزای حاضران در جلسه، افراد اندکی به وی ملحق شدند. ایشان این رویداد را در تاریخ اسلام مستند به شماری از روایات صحیح و کتب تاریخ و سیره می‌کند و همسرشان خدیجه و عمویان حمزه و عبید و عموی دیگرشان ابوطالب را از پیشگامان نهضت برمی‌شمرد. در میان این نام‌برندگان به دلیل حساسیت ایمان ابوطالب علیه السلام، اشاره‌ای گذرا به ادلّه چنین ادعایی هم دارند و روایات شیعه و دیوان اشعار منسوب به ایشان را که مملوّ از تصریح و تلویح به این مطلب است، برمی‌شمرند. از منظر ایشان، نکته سرنوشت‌سازی که درباره ایمان ابوطالب باید دانست این است که وی با اتخاذ ترفند و راهبردی امنیتی (تقیّه) برای حفظ جان گران‌مایه پیامبر از اظهار ایمانش خودداری کرده است.<sup>۲۸</sup>

۲۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۴۴-۴۴۶.

۲۸. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۶۱.

### ۳/۱. بحث روایی آیات ۱۱۳ سوره توبه و ۵۶ سوره قصص

در ذیل آیه ۱۱۳ سوره توبه<sup>۲۹</sup> و ۵۶ سوره قصص<sup>۳۰</sup> در مباحث روایی المیزان، از درّ المثنور<sup>۳۱</sup> سیوطی نقل‌هایی آمده که ابوطالب از ابراز کلمه «لا اله الا الله» در انتهای عمر نیز سر باز زده است. بنا بر نقل ابوهیره، پیامبر بر سر بالینش آماده شد و کلمه توحید را به وی تلقین کرد، اما او ابراز کرد که به دلیل تغییر و سرزنش قریش از اینکه در حالت مرگ مجبور به ایمان شده، اقرار نکرده و الا اقرار می‌کرد.<sup>۳۲</sup> بنا بر نقل مسیب نیز، وی بر بالین مرگ، خود را بر سر دوراهی تشویق پیامبر از یک سو و فشار قریش از دیگر سو دید تا اینکه ایمان به عبدالمطلب را بر ایمان به خدا ترجیح داد.<sup>۳۳</sup> آن‌گونه که پیداست در هر دو نقل، فضای اجبار و اضطراب حاکم بوده و توجه به بیان ایشان در نقل اول و فشار قریش در نقل دیگر، همان ترفند مذکور را به ذهن می‌آورد که ابراز نکردن ایمان به انگیزه تقیه و یاری‌رسانی به پیامبر ﷺ بوده است. البته در نقل مسیب اضافه شده که پیامبر تصمیم استغفار بر وی داشت و نهی در آیه ایشان را از چنین عملی منصرف کرد. با عنایت به چنین قرائن و شواهد بی‌شماری است که ادعای کتمان ایمان ابوطالب ﷺ برای حفاظت از جان پیامبر اسلام موجه به نظر می‌رسد.

المیزان در هر دو آیه بدون ورود به نکته‌سنجی‌های نقد الحدیث، سرنوشت چنین موضوعات تاریخی را با موازنه میان روایات فریقین و تکیه بر قواعد باب تعارض قابل حل و فصل می‌داند. با چنین رویکردی ضمن پذیرش مسلمت خصم و تأکید بر اصول متعارفه فریقین، هم به واقعی‌تر شدن گفت‌وگو می‌توان چشم دوخت و هم به نتیجه‌بخش بودن آن امید داشت. از این‌رو المیزان در هر دو آیه، ابتدا با حکایت تمامی مسلمت اهل سنت، به روایتگری راویان دیگری نظیر ابن مسیب و ابن عمر و غیر آن دو<sup>۳۴</sup> و نیز به روایات مؤید نقل آنان<sup>۳۵</sup> اشاره می‌کند. سپس بر اتفاق و استفاضه روایات ائمه علیهم‌السلام بر ایمان ابوطالب، تأکید دوباره دارد و اشعار و دیوان منسوب به ایشان را شاهد روشنی بر این ادعا قلمداد می‌کند؛ اشعاری که مشحون و مملو از اقرار بر صداقت و حقیقت پیامبر و موخذب‌بودن ایشان است. در سوره قصص با اشاره به مسلمت تاریخی که او تنها کسی است که پیامبر را در دوران خردسالی پناه داد و بعد از بعثت حمایتش کرد، مجاهدت ده‌ساله قبل از هجرت وی را بسان مجاهدت تمامی مهاجران و انصار در ده سال بعد از هجرت می‌خواند. بدین ترتیب همانند آیه قبلی

ابوطالب رضی الله عنه از نگاه علامه طباطبائی

۲۹. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۵ و ۴۰۶.

۳۰. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۵۷.

۳۱. الدرّ المثنور فی التفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۸۲ و ج ۵، ص ۱۳۳.

۳۲. مسند احمد بن حنبل، ج ۱۵، ص ۴۲۹ و ۴۳۰.

۳۳. مسند احمد بن حنبل، ج ۳۹، ص ۷۸. در صحیح بخاری در چهار موضوع به هر بهانه‌ای این حدیث تکرار شده است. (صحیح

البخاری، ج ۲، ص ۴۱۲ و ۴۱۳؛ ج ۷، ص ۲۴۳؛ ج ۷، ص ۳۶۳؛ ج ۱۰، ص ۳۳۲)

۳۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۵۷.

۳۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۶.

با شیوه‌ای ترکیبی افزون بر بهره‌گیری از قواعد تعدیل و ترجیح، به قرائن تاریخی مبنی بر ایثار و مجاهدت ناشی از ایمان وی نیز متمسک می‌شود.

## ۲. تلویح به ایمان ابوطالب علیه السلام در المیزان

نویسنده المیزان در فرصت‌های مختلفی که مناسب دیده، مطالبی اعم از عبارات، روایات و احتمالات تفسیری را می‌آورد تا به گونه‌ای به ایمان ابوطالب علیه السلام اشاره کند. در ذیل به هر یک از اینها، تحت عنوانی اشاره می‌کنیم.

### ۱/۲. حمایت از شخص پیامبر ذیل آیه ۵۱ سوره انعام

علامه طباطبایی، ذیل آیه ۵۱ سوره انعام، روایتی از ابن جریر و ابن منذر از عکرمه آورده که بر اساس آن اشراف کفار از قبیله عبد مناف نزد ابوطالب آمدند تا پیامبر صلی الله علیه و آله مردم فقیر را از خود دور کند و آنان از وی اطاعت کنند. هرچند در نقل دیگری از مجمع البیان همین رویداد به شکل مستقیم با رسول خدا رخ داده، اما المیزان نقل اهل سنت را که به روشنی بر حمایت ابوطالب علیه السلام دلالت دارد، از الدر المنثور سیوطی آورده است.<sup>۳۶</sup>

### ۲/۲. حفاظت از جان پیامبر ذیل آیه ۴۰ سوره توبه

نویسنده در ذیل آیه ۴۰ سوره توبه داستان هجرت نورانی پیامبر صلی الله علیه و آله را از کتاب اعلام الوری و قصص الانبیاء نقل کرده که بعد از اینکه ایشان در غار سه روز ماندند، خدا به ایشان چنین خطاب کرد:

خارج شو از مکه ای محمد! چون برای تو یآوری بعد از ابوطالب نیست.

و ایشان خارج شد. این نقل در راستای تقویت احتمال اختفای ایمان ایشان برای حفاظت از جان رسول خدا صلی الله علیه و آله اشاره‌ای ثمربخش محسوب می‌شود.<sup>۳۷</sup>

### ۳/۲. محزون شدن از انقطاع وحی ذیل آیات آغازین سوره کهف

در ذیل آیات نخستین سوره کهف، در ضمن روایتی از تفسیر قمی، شأن نزول سوره اینگونه آمده که قریش سه نفر را به نجران روانه کرد تا سؤالاتی را از یهود بیاموزند و از رسول خدا بپرسند. در ادامه، آنان سه ماجرای اصحاب کهف، مواجهه موسی و خضر و ذی‌القرنین را می‌آموزند تا صدق ادعای پیامبر را بیازمایند. بر پایه این نقل، آنها ابتدا به نزد حامی رسول خدا صلی الله علیه و آله، ابوطالب علیه السلام رفتند و ایشان نیز بی‌درنگ برای دستیابی به پاسخ به شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله ارجاع داد. بعد از اینکه به دلیل عدم استثناء پیامبر، یعنی «ان شاء الله» نگفتن ایشان، به مدت ۴۰ روز وحی از آن حضرت

۳۶. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۰۹.

۳۷. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۲۹۴.

منقطع شد، ابوطالب محزون شد و این حزن، دلیلی غیر مستقیم بر اعتقاد وی به وحی است. طباطبائی این نقل قمی را در قبال نقل‌های دیگر از اهل سنت نظیر الدر المنثور که به وساطت و حزن ابوطالب اشاره‌ای ندارند،<sup>۳۸</sup> واضح‌ترین متن و سالم‌ترین آنها از تشویش می‌داند.<sup>۳۹</sup>

#### ۴/۲. وساطت همیشگی ذیل آیه چهارم سوره «ص»

علامه طباطبائی ذیل آیه چهارم سوره ص به روایت دیگری از کافی<sup>۴۰</sup> اشاره دارد که در آن ابوجهل به همراه گروهی از قریش بر ابوطالب وارد شدند و از او خواستند پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم را بخواند و به او دستور دهد تا از خدایانشان دست بردارد تا آنان نیز خدای او را رها کنند. ایشان بعد از ورود به این جلسه اعتراض آمیز، تمامی آنان را مشرک دید و با دادن سلام کنایه آمیزی (السلام علی من اتبع الهدی)<sup>۴۱</sup> نشست. نقش واسطه‌گری ابوطالب رضی اللہ عنہ به همراه حمایت ضمنی از پیامبر در این خبر مشهود است. گویا کفار قریش نیز مسؤولیت رفتار پیامبر را از ابوطالب مطالبه می‌کنند و او در این میان بدون اعمال فشار به پیامبر به شکل منطقی در نقش میانجی ظاهر می‌شود؛ اما میانجی‌ای که حامی پیامبر است. سپس المیزان به نقل تفسیر قمی<sup>۴۲</sup> اشاره می‌کند که در آغاز دعوت علنی پیامبر، قریش به ابوطالب رضی اللہ عنہ گفتند که او عقاید ما را سفیهانه خوانده و خدایانمان را ناسزا داده و جوانانمان را فاسد و جمعیت ما را متفرق کرده است. ابوطالب رضی اللہ عنہ پیامبر را از سخن آنان باخبر کرد. ایشان نیز با تشبیه شگفت‌آوری گفت اعطای زمام نظام آفرینش هم موجب دست‌کشیدن از فرمان‌برداری خدای یگانه و انجام‌دادن مأموریت نخواهد شد.<sup>۴۳</sup>

رد و بدل کردن چنین سخنانی بدون افزودن یک کلمه، چنانچه بعضی از اهل سنت مدعی‌اند، دلیل بر خنثا و بی‌طرف بودن ایشان است. اما واقعیت آن است که این ماجرا، برعکس گفته برخی از اهل سنت، از ایمان سرشار ایشان ناشی می‌شود که بدون حتی یک کلمه زیاد یا کم، نقش وساطت خود را به‌زیبایی نمایش می‌دهد، ولی به صورت ضمنی، حمایت خود را از پیامبر ابراز می‌کند و موجب ناامیدی مشرکان و امید پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم می‌شود.

#### ۵/۲. سرودن اشعار نبوت ذیل آیه ششم سوره صف

در آیه ششم سوره صف دلالت سیاق اشاره دارد که حضرت عیسی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم پیامبر را «احمد» خوانده و این نام نظیر نام دیگر ایشان (محمد) در میان مردم زمان نزول قرآن متعارف بوده است. یکی از

۳۸. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۲۱۰.

۳۹. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۸۰.

۴۰. اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۴۹.

۴۱. چه‌بسا بتوان مدعی شد که این سلام فقط به سبب کتمان ایمان ابوطالب از سوی پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم متوجه ایشان بوده باشد و آلا هیچ یک از قریشیان سزاوار احترام و سلام از سوی ایشان نبودند.

۴۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۴۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.



مجالاتی که از واقعیت این امر متعارف پرده برمی‌دارد، اشعار سروده‌شده درباره رسول رحمت و رأفت است که شاعرانی همچون حسان و ابوطالب رضی الله عنهما با این نام وی را ستوده‌اند. در اینجا المیزان به چند بیت از ابیات ابوطالب متوسل شده که در آن با کاربست نام «احمد» هم بر صدق نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله گواهی داده و هم به عباس، جعفر، حمزه و علی رضی الله عنهم توصیه به حمایت از ایشان کرده است. در بیت دیگری نیز یادآور می‌شود که او با این نام، پیامبری همچون موسی خوانده شده و در کتاب‌های آسمانی نخستین از او یاد شده است.<sup>۴۴</sup>

## ۶/۲. وزر در گذشت ابوطالب رضی الله عنهما ذیل آیه دوم سوره انشراح

طباطبایی در آیه دوم سوره انشراح، که سخن از برداشتن وزر و سنگینی از پیامبر صلی الله علیه و آله است، بر اساس سیاق آیه مراد از آن را سنگینی ناشی از امر دعوت و رسالت می‌داند. به دنبال آن، احتمالات مختلف تفسیری را که در این باره مطرح شده، بیان می‌کند که در یکی از آنها به سنگینی و اندوه درگذشت عمویش ابوطالب و همسرش خدیجه اشاره شده است. در انتها نیز به نظر می‌رسد با ردّ برخی از وجوه سخیف و احتمال ضعیف، چنین تفسیری را در حدّ احتمال در آیه باقی می‌گذارد.<sup>۴۵</sup>

## ب) ابوطالب رضی الله عنهما در غیر المیزان

علّامه طباطبایی در کتاب‌ها و نوشته‌های مختلف اصرار دارد که به یاد ابوطالب رضی الله عنهما سطوری را مرقوم کند. در این مجال مناسب است مجموعه تعابیر و اوصافی را که در آثار دیگر ایشان، غیر از المیزان، وجود دارد یکجا بررسی کنیم. ایشان در هر فرصت می‌کوشد از الفاظ مناسب و سازگار با شأن ابوطالب رضی الله عنهما در هر یک از این حقایق تاریخی استفاده کند.

### ۱. باشخصیت، درست‌کار و انسان دوست

در کتاب شیعه، در گفت‌وگو با هانری کربن، ذیل عنوان «پاکی و ناپاکی در خانواده بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمس» به طهارت، عظمت، ریاست و سیاست هاشم، جدّ اعلاّی پیامبر صلی الله علیه و آله، اشاره می‌کند. سپس فرزند هاشم، عبدالمطلب رضی الله عنهما، بر اساس اصل وراثت و دارابودن صفات نیکی همچون بزرگواری، ریاست عرب را به دست می‌آورد. در بزرگی و عظمت ابوطالب رضی الله عنهما می‌نویسد که عبدالله و ابوطالب هر دو باشخصیت، درست‌کار و انسان دوست بودند و به علّت فوت عبدالله، ابوطالب رضی الله عنهما ریاست را عهده‌دار شد.<sup>۴۶</sup>

۴۴. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۵۴.

۴۵. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۱۵.

۴۶. شیعه در اسلام، ص ۳۰۷.

## ۲. از پیشگامان ایمان به پیامبر ﷺ

همان‌طور که در مباحث بخش «تصریح به ایمان ابوطالب علیه السلام در المیزان» گفته شد، به عقیده علامه طباطبائی، از مسلمات تاریخی است که ابوطالب یکی از پیشگامان در ایمان و باور به نهضت پیامبر ﷺ بوده است. در کتاب وزین شیعہ در اسلام، که برای معرفی شیعہ به شخصیت‌هایی همچون کنت مورگان، دانشمند آمریکایی و استاد دانشگاه کولگیت،<sup>۴۷</sup> تدوین شده، ضمن تصریح به بی‌نتیجه‌بودن دعوت یوم الانذار، در داخل پرانتز، استدراک به پیشگامی ابوطالب در ایمان می‌کند:

این دعوت نتیجه‌ای نداد و کسی از آنان جز علی بن ابی‌طالب به وی ایمان نیاورد، ولی طبق مدارکی که از ائمه اهل بیت نقل شده و به استناد اشعار موجود از ابوطالب علیه السلام، شیعہ معتقد است وی به اسلام گرویده بود، ولی چون یگانه حامی پیامبر ﷺ بود ایمانش را از مردم کتمان می‌فرمود تا قدرت ظاهری‌اش را پیش قریش حفظ کند.<sup>۴۸</sup>

## ۳. کفالت مستقیم عمومی مهربان برای پیامبر ﷺ

علامه طباطبائی در کتاب تعلیم اسلام، تاریخ زندگانی پیامبر ﷺ را روشن‌تر از تاریخ زندگانی همه پیامبران گذشته می‌خواند که با خصوصیاتش در اختیار است. بعد از اشاره به وضعیت مرگ پدر پیش از ولادت و فوت مادر در شش سالگی و جدشان دو سال بعد، که فرصت چندانی برای سرپرستی در دستشان نبود، می‌افزاید:

آن حضرت تحت کفالت مستقیم عمومی مهربان خود ابوطالب، پدر امیر مؤمنان علی علیه السلام، درآمد.

در ادامه، مهربانی ایشان را این‌گونه توصیف می‌کند:

ابوطالب آن حضرت را مانند یکی از فرزندان خود گرمی داشته و تا چند ماه قبل از هجرت پیوسته در حمایت و نگاه‌داری آن حضرت کوشا بود و کوچک‌ترین مسامحه‌ای روا نمی‌داشت.<sup>۴۹</sup>

مهم‌تر آنکه در کتاب گلچینی از معارف تشیع، که ویلیام چیتیک به زبان انگلیسی ترجمه کرده، مشخص است که ایشان اصرار به معرفی ابوطالب علیه السلام در هر فرصت ممکن دارد. در ملحقات کتاب

۴۷. در مقدمه کتاب شیعہ در اسلام، به قلم یکی از شاگردان استاد آمده است که وی در سفر به ایران، معرفی شیعہ را از علامه طباطبائی درخواست کرد تا زمینه نگارش این کتاب فراهم شود. (شیعہ در اسلام، مقدمه، ص ۷-۱۰)

۴۸. شیعہ در اسلام، ص ۱۴۹.

۴۹. تعلیم اسلام، ۹۷-۹۹.

به شکل غیر مشروح، از معرفی دوازده امام علیهم‌السلام آغاز می‌کند و در این معرفی کوتاه، نخستین امام را علی بن ابی طالب علیه‌السلام می‌خواند که پسر عموی پیامبر، ابوطالب، است و به این بهانه در سطره کوتاهی چنین می‌نگارد:

ابوطالب پیامبر را به مانند پسر خود، فرازاند و بعد از دریافت وحی (بعثت) از او حمایت کرد.<sup>۵۰</sup>

همچنین در جای دیگری با تعبیر «سرپرستی» ابوطالب از ایشان در خانه خود و اینکه پیش از بلوغ با عمویش همراه مال التجاره به شام سفر کردند،<sup>۵۱</sup> در صدد است اقدام ایشان در فرازاندن پیامبر را تصویر کند؛ چنانچه در کتاب تعلیم اسلام، ماجرای بحیرای راهب را به گونه‌ای ترسیم می‌کند که خواننده به نقش پدری ابوطالب برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منتقل شود.<sup>۵۲</sup>

#### ۴. یگانه حامی پیامبر تا پایان عمر

در کتاب شیعه در اسلام دو بار از وصف «یگانه حامی» پیغمبر اکرم استفاده شده و نیز در کتاب تعلیم اسلام چنین صفتی درباره‌ی ایشان دیده می‌شود. نویسنده برای رساندن اهمیت این حمایت منحصر به فرد، بسترها و زمینه‌هایش را این گونه تبیین کرده است:

شروع دعوت علنی پیامبر که توأم بود با شروع سخت‌ترین عکس‌العمل و دردناک‌ترین آزارها و شکنجه‌ها از ناحیه اهل مکه نسبت به پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مردمانی که تازه مسلمان شده بودند تا سخت‌گیری قریش به جایی رسید که گروهی از مسلمانان خانه و زندگی خود را ترک نموده به حبشه مهاجرت کردند.<sup>۵۳</sup>

بارزترین حمایت و همراهی بی‌نظیر ابوطالب رضی‌الله‌تعالی‌عنه که با دقت نظر در ادامه این توضیح دیده می‌شود این است که پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با عموی خود ابوطالب و خویشاوندان خود از بنی‌هاشم سه سال در شعب ابوطالب (حصاری بود در یکی از دره‌های مکه) در نهایت سختی و تنگی متحصن شدند و کسی با آنان معامله و معاشرت نمی‌کرد و قدرت بیرون آمدن نداشتند.<sup>۵۴</sup> بدین ترتیب مقصود از یگانگی ایشان در پشتیبانی از وجود مبارک پیامبر، چنانچه در مجموعه آثار ایشان آمده، این است که از میان آشنایان، این تنها عموی پیامبر اکرم و رئیس قبیله بنی‌هاشم و تنها مرد متنفذی بود که از آن

۵۰. گلچینی از معارف تشیع، ص ۱۶۲.

۵۱. شیعه در اسلام، ص ۱۴۸.

۵۲. ن. کت: تعلیم اسلام، ص ۱۰۱-۱۰۳.

۵۳. شیعه در اسلام، ص ۱۵۰.

۵۴. شیعه در اسلام، ص ۱۵۰.

حضرت علناً حمایت می‌کرد.<sup>۵۵</sup> طباطبائی با تأکید بر این ویژگی پرمغز که دلیلی جز ارادت و ایمان غیبی به فرستاده خدا ندارد، به بهانه اشاره به تاریخ مرگ ایشان، می‌نویسد:

در حوالی سال دهم بعثت که آن حضرت از شعب ابی‌طالب بیرون آمد، کمی بعد از آن، ابوطالب عمو و یگانه حامی وی بدرود زندگی گفت.<sup>۵۶</sup>

تکرار چندین باره این صفت در آثار علامه طباطبائی حاکی از آن است که ابوطالب رضی الله عنه در مقام عمل، اخلاص و پای‌بندی‌اش را به پیامبر اثبات کرد و برای اثبات ایمان ایشان، نیازی به موشکافی سطور تاریخی، که با اغراض گوناگون در معرض دست‌برد قرار گرفته، نیست.

### ۵. هزینه کردن از موقعیت خود برای پیامبر صلی الله علیه و آله

چنانچه گذشت، قریش معمولاً با وساطت ابوطالب رضی الله عنه پیشنهادهایشان را به نظر شریف رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رساندند. در یکی از مراجعاتی که به آن حضرت کردند و وعده مال گزاف و ریاست دادند، آن حضرت به عنوان تمثیل به ایشان فرمود:

اگر خورشید را در کف راست و ماه را در کف چپ من بگذارید، از فرمان‌برداری خدای یگانه و انجام مأموریت خود روی برنخواهم تافت.<sup>۵۷</sup>

بر این اساس، کفار ابتدا از راه تطمیع، نفوذ در پیامبر را دنبال کردند، اما پس از اینکه مایوس شدند، دوباره بر فشار خود افزودند و مسلمانان را با شکنجه و عذاب‌های سخت که گاهی به قتل منتهی می‌شد از اسلام باز می‌داشتند. در تحلیل و ارزیابی علامه طباطبائی، تنها مانعی که موجب می‌شد به جان پیامبر تعرضی صورت نگیرد، ملاحظه‌ای بود که قریش راجع به جایگاه ابوطالب رضی الله عنه به عنوان رئیس بنی‌هاشم و عموی پیامبر و حامی ایشان داشتند. از این‌رو از کشتن آن حضرت خودداری می‌کردند.<sup>۵۸</sup>

### نتیجه

همواره در هر موضوعی می‌توان دیدگاه‌های مفسر و حکیم بزرگ، علامه طباطبائی را در تفسیر المیزان از نگاشته‌های دیگر ایشان تفکیک کرد. جهت این تمییز، بر پایه توضیحی که در مقدمه

۵۵. مجموعه آثار، ج ۲، ص ۱۳۲.

۵۶. شیعه در اسلام، ص ۱۵۰. این تعبیر در عبارات دیگری نیز در آثار ایشان به چشم می‌خورد. (ن. کد طباطبائی، تعالیم اسلام، ص ۱۰۹؛ مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۴۵)

۵۷. شیعه در اسلام، ص ۱۵۰؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، ص ۱۸۷ به نقل از تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۲۸ و ۲۲۹.

۵۸. مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۴۴.

تفسیر المیزان داده‌اند، مبنای مهم، «استقلال قرآن در دلالت» است. از این رو با جست‌وجو در المیزان درمی‌یابیم که تردید در ایمان ابوطالب ناشی از تعدادی از گزارش‌های عامه است که با شیوه نادرست به برخی از آیات الهی تطبیق داده شده است. در میان آیات، آیه ۲۶ سوره انعام، آیات آغازین سوره نساء، آیه ۱۱۳ سوره توبه و آیه ۵۶ سوره قصص، اهمیت بسیار دارد. نویسنده المیزان با روش تفسیری مستدل خود (قرآن با قرآن) و بهره صحیح از عنصر سیاق، دلالت این آیات را متناسب با روایات اهل بیت علیهم‌السلام دانسته و هرگونه ظهور دیگری را از آن مخدوش شمرده است. ایشان جنس بحث برخی از اهل سنت و تعدادی از روایات ضعیف شیعه را در این موضوع به معارضات درونی اخبار فریقین یا گزارش‌های تاریخی تقلیل داده است. راه حل ایشان برای رسیدن به نتیجه در این موضوع، مطرح کردن قواعد تعادل و تراجیح است که با رویکردی تقریبی احادیث هر دو فرقه را با یکدیگر سنجیده و ارزشیابی کرده است. برای این منظور ابتدا به روایات دیگری از عامه که دال بر ایمان ابوطالبند، اشاره می‌کند و سپس متظافر و مستفیض بودن روایات اهل بیت علیهم‌السلام را که دال بر ایمان ابوطالب علیه‌السلام است، دلیل برتری چنین نظری قرار می‌دهد. در انتها نیز می‌افزاید که مؤید این ترجیح، اشعار توحیدی و ایمانی ابوطالب علیه‌السلام است که در دیوان یا کتب تاریخی به ثبت رسیده است. علامه طباطبایی بارها در المیزان یا غیر آن به ایمان آن حضرت، تصریح یا تلویح کرده است. ایشان با مسلم‌پنداشتن این دیدگاه با اشاره به ویژگی‌های ملازم با ایمان وی از این حقیقت پرده برمی‌دارد. یگانه حامی بودن تا پایان عمر، محزون شدن از انقطاع وحی، هزینه کردن از موقعیت خود، وساطت همیشگی برای پیامبر در رویارویی با کفار می‌تواند از جمله قراین دال بر ایمان ابوطالب علیه‌السلام در عبارات علامه طباطبایی باشد که در کنار دلایل روشن و قطعی، تصویری قهرمانانه و در عین حال، مظلومانه از ابوطالب علیه‌السلام به نمایش می‌گذارد.

## کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم.
۲. اصول الفقه، مظفر، محمد رضا، تحقیق: عباس علی زارعی، قم: بوستان کتاب، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ ش.
۳. اصول الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه، الطبعة الرابعة، ۱۴۰۷ ق.
۴. اعتقادات الإمامیه، ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. اوائل المقالات، مفید، محمد بن محمد، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید، الطبعة الاولى، ۱۴۱۳ ق.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، قاهره: جمهوریة مصر العربیة، الطبعة الثانية، ۱۴۱۰ ق.
۷. تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۴ ق.

۸. تعالیم اسلام، طباطبائی، محمدحسین، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۹. تفسیر القمی، قمی، علی بن ابراهیم، تصحیح: طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ش.
۱۰. تفسیر فرات الکوفی، کوفی، فرات بن ابراهیم، تحقیق: محمدکاظم محمودی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۱۱. تفسیر مقاتل بن سلیمان، مقاتل بن سلیمان، تصحیح و تنظیم: عبدالله محمود شحاته، بیروت: دار احیاء التراث العربی، الطبعة الاولى، ۱۴۲۳ق.
۱۲. تفسیر و مفسران، معرفت، محمدهادی، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ اول، ۱۳۷۹ش.
۱۳. جامع البیان، طبری، محمد بن جریر، بیروت: دار المعرفة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۲ق.
۱۴. جمهرة النسب، کلبی، هشام بن محمد، بیروت: دار الکتب العلمية، ۱۴۰۳ق.
۱۵. الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
۱۶. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۱م.
۱۷. شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
۱۸. شیعه در اسلام (طبع قدیم)، طباطبائی، محمدحسین، قم: دفتر نشر اسلامی، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ش.
۱۹. شیعه، طباطبائی، محمدحسین، گردآورنده: هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۲۰. الطبقات الكبرى، ابن سعد، محمد، بیروت: دار صادر، بی تا.
۲۱. عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب، ابن عنبه، جمال الدین احمد، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۲.
۲۲. الغدير فی الكتاب و السنة والأدب، امینی، عبد الحسین، بیروت: دار الکتب العربیة، ۱۳۹۷ق.
۲۳. کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: الإسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۲۴. الکمال فی أسماء الرجال، مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى، ۱۴۰۰ق.
۲۵. گلچینی از معارف تشیع، طباطبائی، محمدحسین، قم: بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، تحقیق: فضل الله یزدی طباطبائی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

۲۷. مجموعه آثار، طباطبایی، محمدحسین، تحقیق: اصغر ارادتی، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.

۲۸. مسند الإمام أحمد بن حنبل، ابن حنبل، احمد، تحقیق: غضبان عامر، زبیر ابراهیم، برکات محمد و عرقسوسی محمد نعیم، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۶ ق.

۲۹. المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، علی، جواد، بیروت: دار العلم للملایین، الطبعة الاولى، ۱۹۶۸ م.

۳۰. المناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، قم: المطبعة العلمية، بی تا.

۳۱. موسوعة الامام اميرالمؤمنين عليه السلام، قرشی، باقر شریف، قم: مؤسسة الكوثر للمعارف الإسلامية، ۱۴۲۹ ق.

۳۲. الميزان فی تفسیر القرآن، طباطبایی، محمدحسین، بیروت: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، الطبعة الثانية، ۱۳۹۰ ق.

## مقالات

۳۳. «بررسی تطبیقی کارکرد سیاق در المیزان و التفسیر الحدیث در ارزیابی روایات»، اوحدی، مرتضی؛ محمدجعفری، رسول، در: مطالعات فهم حدیث، ش ۴، ص ۳۱-۵۳، ۱۳۹۵ ش.

۳۴. «تعامل سیاق با روایات در تفسیر المیزان»، نصرالله پورعلمداری، ابراهیم، در: حدیث و اندیشه، ش ۱۳، ص ۷۰-۹۶، ۱۳۹۱ ش.

۳۵. «تفسیر علی بن ابراهیم قمی»، شبیری، سید محمدجواد، در: دانش نامه جهان اسلام، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ج ۷، ۱۳۸۲ ش.

۳۶. «درباره تفسیر المیزان»، خرمشاهی، بهاءالدین، در: نشر دانش، ش ۷، ص ۱۰-۱۷، ۱۳۶۰.

۳۷. «روش شناسی علامه طباطبایی در بهره گیری از سیاق در المیزان»، کلباسی اصفهانی، فهیمه؛ میرسعید، مصطفی، در: روش شناسی مطالعات دینی، س ۲، ش ۲، ص ۶۶-۸۷، ۱۳۹۴ ش.

۳۸. «ژنتیک یا محیط؛ کدام یک آینده ما را تعیین می کنند؟»، اکرمی، سید محمد؛ باستانی، امیر؛ مدرسی، محمدحسین؛ ریحانی، فخرالدین؛ کریمی راد، وحیده، در: اخلاق زیستی، ش ۴، ص ۱۸۱-۱۹۱، ۱۳۹۱ ش.